



باز خورد مخاطبان تان تا این لحظه چگونه بوده است؟

باز خوردهای که گرفته‌ایم در مجموع رضایت‌بخش و امیدوارکننده بوده، اما نمی‌دانم در شرایطی که همگی ما چه به لحاظ اجتماعی چه به لحاظ شخصی، احوال پریشانی داریم و گاهی حتی حوصله خودمان را هم نداریم چه رسد به اینکه برویم سینما مستندی درباره آدم‌های ۷۰ سال پیش ببینیم، فیلم چقدر می‌تواند فروش کند. این فیلم از آغاز تولید تا روز اکرانش، ماجراهای پرفراز و نشیب و تلخی را طی کرد که واقعا به لحاظ روحی من را فرسوده کرد. اما استقبالی که از جلسه افتتاحیه فیلم شد و بعد هم کامنت‌های مثبت تماشاگران، واقعا دلگرم‌کننده بود. فکر می‌کنم در این فیلم دو نکته برای مخاطبانی که شاید بیننده جدی سینمای مستند نباشند جالب توجه باشد. یکی آرشيو استفاده‌شده در فیلم و دیگری فرم روایی آن. در مستندهای تاریخی ما معمولا عادت کرده‌ایم صفر تا صد یک رویداد، شخصیت یا دوران را با تمرکز بر وجوه تاریخی و سیاسی آن ببینیم. ولی چون «قصه» و «آدم‌های قصه» به اندازه تاریخ و سیاست (و گاهی بیشتر از آن) برای من مهم است، تلاش کرده‌ام در فیلم‌هایم به نکات ریزی که شاید از زاویه تاریخی بی‌اهمیت باشند نیز بپردازم. یکی از مخاطبان می‌گفت فیلم سس و ادویه به اندازه‌ای داشت. همین ویژگی است که به نظرم باعث می‌شود مخاطبی که پی‌گیر جدی تاریخ یا سینمای مستند نیست هم به آن واکنش مثبت نشان دهد. مثلا اینکه «روز به برای خانم‌ها مرد جذابی بوده و راحت مخفی‌گاه پیدا می‌کرده» احتمالا در یک مستند تاریخی دیگر مورد توجه قرار نمی‌گیرد چون به لحاظ سیاسی اهمیتی ندارد. اما از آنجا که بُعد انسانی روز به برای من مهم است شما این نکته را در فیلم می‌شنوید. تازه این نگاه صرفا به آدم‌های فیلم محدود نمی‌شود. مثلا اینکه فرار در شبی برقی اتفاق افتاده، اهمیت سیاسی و تاریخی خاصی ندارد. اما کودک بازگو می‌کند که در مغز من جا خوش کرده، از اول ساخت فیلم مدام می‌گفت از این برف به راحتی نگذرا! که نتیجه‌اش تکرار موتیف بارش برف بر قصر در پلان‌هایی از فیلم شد. این‌ها همه ناشی از مواجهه با تاریخ و سیاست در بستر مستند از دریچه انسانی است.

مخاطبی که مستند، سیاست و تاریخ برایش اولویت اصلی نیست دقیقا از این دریچه با فیلم مواجه می‌شود و مضمون فیلم بعدا برایش جذاب خواهد شد. فرم روایی فیلم نیز از همین دریچه به دنیا می‌آید. در بین فرهیختگان جامعه، زیاد می‌شنویم که از مردم انتقاد و حتی آنها را محکوم می‌کنند که تاریخ نمی‌خوانند و نمی‌دانند. در حالی که به نظر من اتفاقا این وظیفه همان قشر منتقد است که تاریخ و سیاست را به زبان ساده و همه‌فهم برای مردم ترجمه کنند؛ داستان بنویسند، فیلم و مستند بسازند و آثار هنری و سرگرمی مختلف خلق کنند تا تاریخ به نوعی در زندگی مردم جاری شود. در تبدیل تاریخ به فیلم مستند، اگر اثر جذابی نسازید که افراد پای تماشايش بنشینند، عملا شکست خورده‌اید. فیلم‌تان را برای استاد تاریخ دانشگاه تهران که نساخته‌اید! میلیون‌ها شهروند عادی که از تماشای یک فیلم به دنبال سرگرمی هستند، مخاطبان بالقوه مستندهای تاریخی محسوب می‌شوند و فیلم باید طوری ساخته شود که آنها را جذب کند. آن را ببینند، به آن فکر کنند و درباره‌اش حرف بزنند. اگر چنین جریانی به شکل قدرتمند و مستمر در زمینه‌های مختلف هنر و فرهنگ و سرگرمی از جمله مستند وجود داشته باشد، در نهایت درک دقیق‌تری از تاریخ در ذهن همه ما تفنیش خواهد شد.

از آنها به طور عمومی منتشر شده بود اما چندان به کار ما نمی‌آمد. از باقی فیلم‌ها هم نمایه یا فهرستی وجود نداشت که بفهمیم درباره چه موضوعاتی هستند. طی مکاتبات مان خواهش کردیم لیست فیلم‌ها را بر ایمان بفرستند، ولی اتفاق عجیبی که افتاد این بود آنها به جای نام فیلم‌ها، خود فیلم‌ها را بر ایمان فرستادند! بیشتر فیلم‌هایی که در این مستند از آنها استفاده شده مثل دستگیری افراد، کشف چاپخانه دموکرات‌ها در آذربایجان، کشف جنازه حسام لنکرانی یا بازگشت توده‌ای‌ها از روسیه، همه در همان مجموعه آرشيو شده بود. راستش خودمان هم از دیدن این مجموعه واقعا حیرت کردیم چون اصلا فکر نمی‌کردیم چنین آرشيو وجود داشته باشد، چه برسد به اینکه دست ما به آن برسد! آن هم با این کیفیت خوب. این مسئله عملا بخش‌های زیادی از فیلم ما را نجات داد، آنقدر که نمی‌دانم اگر این آرشيو نبود فیلم چطور باید کامل می‌شد!

چرا محمد بحرانی را برای بخش روایت این مستند انتخاب کردید؟

«فرار از قصر» همکاری سوم من و محمد بحرانی در سینمای مستند بود. حقیقتش در این مدت درباره استفاده از صدای او در فیلم‌هایم، نظرات مثبت و منفی مختلفی شنیده‌ام. اما برای خودم همکاری با محمد همیشه بسیار لذت‌بخش بوده است. خب محمد به شکل حرفه‌ای، گوینده محسوب نمی‌شود و زمینه اصلی فعالیت کاری‌اش، بازیگری تئاتر و صداپیشگی عروسکی است که در سال‌های اخیر، به مرور و تجربه‌هایی هم در سینما کسب کرده. از اولین فیلمی که همکاری مان را شروع کردیم، مدام روی این موضوع تأکید داشت که «من گوینده نیستم و تو حتما می‌توانی با گوینده‌های بهتری کار کنی». در جواب می‌گفتم: «اتفاقا من هم دنبال گوینده نیستم و آنچه را می‌خواهم به راحتی نمی‌توانم در فردی پیدا کنم». علتش هم فرم روایی مستندهایی است که کار کرده‌ام که به هر حال تاحدی از مستندهای تاریخی معمول این سال‌ها فاصله داشته است. موقع

طی تحقیقات همیشه از روزنامه‌نگارها و پژوهشگرها کمک می‌گیرم تا شناخت کامل‌تری نسب به موضوع پیدا کنم اما صحبت آن‌ها را معمولا در فیلم نگنجانده‌ام. برای این فیلم با توجه به سال‌های زیادی که از زمان وقوع رویداد اصلی‌اش گذشته، تحقیقا همه کسانی که درگیر آن بوده‌اند یا در گذشته‌اند یا به علت کهنولت سن شرایط گفت‌وگو نداشتند. حتی خیلی از بچه‌های این افراد یا در دسترس نبودند یا بعضا فوت کرده بودند. مثلا وقتی شماره پسر آقای مرتضی یزدی که نامشان در فیلم هم می‌آید را پیدا کردیم فهمیدیم که دو ماه قبل از دنیا رفته‌اند. اما در بخش آرشيوهای مکتوب درباره حزب توده به متن‌های دست اول خیلی خوبی دسترسی داشتیم. افراد اصلی حزب مثل کیانوری یا ایرج اسکندری خاطره‌نویسی‌های مفصلی کرده‌اند. البته خاطرات کیانوری متن پیاده شده بازجویی‌هایش است و حرف و حدیث‌هایی در باب آن وجود دارد ولی از افرادی مثل فریدون کشاورز یا نور خامه‌ای یا اعضای رده پایین‌تر حزب خاطراتی به جای مانده که در مجموع از آنها بسیار استفاده کردیم. در آرشيوهای تاریخ شفاهی نیز از تاریخ شفاهی هاروارد - که با عده‌ای از اعضای حزب و نیز افسران شهربانی و ارتش که مسئول پرونده این افراد بوده‌اند - و همچنین مجموعه‌ای از تاریخ شفاهی چپ ایران که در آلمان تهیه شده کم و بیش بهره بردیم. اما چالش اصلی ما در پژوهش این فیلم، تهیه آرشيو تصویری بود که به مرور به یک نگرانی بزرگ برای مان تبدیل شد. چراکه از دوران فعالیت قانونی حزب یعنی چند سال اول دهه ۲۰ عکس‌ها و تصاویر زیادی موجود نبود. بعد از آن هم که غیرقانونی و زیرزمینی شدند و عملا دیگر عکس و تصویری از خودشان ثبت نمی‌کردند. کل عکس‌هایی که ما از این پنج نفر داشتیم مجموعا شاید ۵۰ قطعه هم نبود که تازه بسیاری از آن‌ها عکس‌های پرسنلی یا با کیفیت خیلی پایین بودند. اما اتفاقی مثل یک معجزه برای ما رخ داد. اینکه با «دفتر ملی بایگانی و مدارک آمریکا» تماس گرفتیم تا از وضعیت مجموعه فیلم‌هایی موسوم به «اخبار ایران» که از دهه ۲۰ و ۳۰ کشور تهیه کرده بودند باخبر شویم. آنها آرشيو حدود ۴۰۰ فیلم خبری کوتاه داشتند که نزدیک به نیمی